

صورت رسم خجین میرزا

حکم کتبی
 اگر عاقل و فاسق چاکه بجهت و محبت ایشان و شایسته و شایسته و شایسته و شایسته
 و ارادت و محبت همه بر میرزا علی محمد پاشا حاکم سنجان و شهرزور و کوی حمیرا بود و جهت خاطر و آلا
 بود و بداند که فرزند او آغا علیچاه از اوست سواره این بود که سواره بابان را طوری روانه کند که در دوام شهرت او
 سعادت ایشاد و آبرو محال که در روز بیستم ذی قعدة دست سواره میرزا برسد و سعادت مطعنا
 و اصلا از آمدن آنا اثری ظاهر نشد از آن عاقل که دعوی حاصل از ارادت و ادعای صادق و عقیده
 در پیش وقت به حکام پارس پاره رسیده است که حال سواره خود را متوافق نموده که فرود بود و در آن
 باشد و با نرسیدن سعاد از رکنه سینه که تا به وقت آن عاقل حاصل بود و در آن
 در صورت آغا علیچاه جرایب در تقدم این خدمت که بمن نفع دنیا و هم مزید است حکام و بر آن عاقل
 خود داری کند بلکه در روز ششم آناه مرکب مسود و آلا انشاء الله تعالی از تبریز حرکت بخند فرین
 همه جا بر کاب نصرت ایشاد آید و سواره بابان که سواره از آمدن آنا اثری نباشد چاکه
 حکم فسیح را مانورزد آن عاقل فرموده متعزب ابریم که اگر آن عاقل سواره تعهدی خود را خود
 فرستاد بر وصول حکم و ضامن اول و در دو چاکه در راه داشته قدغن کند که با نهایت سرعت بخند
 عازم در راه رکاب و آلا شوند و هر گاه بجهت آن عاقل عذری بهم رسیده باشد البته قائلان و حکام
 نظام مشورت سرکار از راه برای معطل کرده روانه رکاب و آلا سازد و در وجه رسیدن خود
 ۲۴۲
 دی قعدة
 حکام



حکم کتبی

اگر عاقل و فاسق چاکه بجهت و محبت ایشان و شایسته و شایسته و شایسته و شایسته

و ارادت و محبت همه بر میرزا علی محمد پاشا حاکم سنجان و شهرزور و کوی حمیرا بود و جهت خاطر و آلا

بود و بداند که فرزند او آغا علیچاه از اوست سواره این بود که سواره بابان را طوری روانه کند که در دوام شهرت او

سعادت ایشاد و آبرو محال که در روز بیستم ذی قعدة دست سواره میرزا برسد و سعادت مطعنا

و اصلا از آمدن آنا اثری ظاهر نشد از آن عاقل که دعوی حاصل از ارادت و ادعای صادق و عقیده